

۶- حکمت الاهی

دو معنا
دارد

۲. دوری از انجام فعل قبیح و
ناشایست

۱. استواری و کمال فعل
فاعل



۱. مطالعه نظم و اسرار خلقت:

مطالعه جهان نشان می دهد که این نظام به بهترین صورت ممکن تحقق یافته است. خداوند برای چشم که بسیار حساس است تدابیری نهاده مانند: در جای گود بودن، حصار استخوانی داشتن، سایبانی چون ابرو، پلک و مژگان قرار دادن.

قرآن مجید می فرماید: الذی احسن کل شی خلقه او خدایی است که هر چیز را که آفرید نیکو خلق کرد. (سجده آیه ۷)

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست که هر چیزی به جای خویش نیکوست.



۲. تناسب اثر
با موثر :

فاعلی که ذاتش از هر جهت کامل است فعلش نیز از هر جهت
کامل خواهد بود



۳. نبودن علت نا استواری:

علت نا استواری، به جهل یا ناتوانی یا عدم خیر خواهی
بر می گردد که در خدا هیچ یک از آن ها وجود ندارد



ایجاد افعال قبیح و یا بیهوده ناشی از جهل یا ناتوانی و یا نیازمندی است که خداوند از این ها پیراسته است.



ایجاد افعال قبیح و یا بیهوده ناشی از جهل یا ناتوانی و یا نیازمندی است که خداوند از این ها پیراسته است.

حکمت و غایتمندی افعال الهی

یکی از مسائل مهم کلامی و فلسفی در خصوص افعال الهی این است که آیا برای کارهای خداوند سبحان، غایت و هدفی قابل تصور است یا خیر؟ در این زمینه دو دیدگاه قابل طرح است:

۱. منکران وجود غایت و هدف در افعال الهی:

اشاعره معتقدند برای افعال الهی هیچگونه حکمت و قصد و غرضی قابل تصور نیست و می‌گویند: «خدا هیچ کاری را برای غرضی نمی‌کند و اگر چنین کند محتاج و ناقص است و با آن غرض، خود را تکمیل می‌کند و این امر بر خدای تعالی محال است.

نقد:

اگر نتیجه و نفع فعل متوجه فاعل شود، دلالت بر نقص او دارد. اما اگر نتیجه و نفع فعل عاید دیگران شود، سخن از نقص و کاستی صحیح نیست.

۲) موافقان غایت داشتن افعال الهی:

این دیدگاه از سوی متکلمین معتزلی و شیعی و همچنین حکمای اسلامی مطرح شده است. فعلی که از روی غرض نباشد عبث و لغو است و فعل عبث قبیح است و صدور آن از حکیم محال است

آیات قرآن عبث و بطلان را از صحنه آفرینش منتفی دانسته و بر خلقت «به حق» آسمانها و زمین و هر آنچه در میان آنهاست، تصریح کرده است.

نمونه‌ای از آیات: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ» (سوره آل عمران/ ۱۹۱) و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند (و می‌گویند):

بارالها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزه‌ی تو!

«مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»؛ (سوره احقاف/ ۳) ما آسمانها و زمین و آنچه را در میان این دو است جز بحق نیافریدیم.

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (سوره ذاریات/ ۵۶) من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.

بلکه تا بر بندگان جودی کنم

من نکردم خلق تا سودی کنم



عقل انسان نمی تواند به حکمت الهی پی ببرد زیرا:
اولاً؛ علم انسان محدود است، و با علم محدود نیز امکان دستیابی به تمام حکمت خداوند وجود ندارد
ثانیاً؛ اصل آزمایش های الهی بر این اساس است که انسان علم و آگاهی نسبت به فواید و حکمت های اعمال نداشته باشد، فقط برای اطاعت از دستورات خداوند متعال اقدام به انجام کاری کند.
گرچه در برخی از روایات حکمت و فلسفه برخی از اعمال بیان شده است، ولی این بیان علت در بیشتر دستور اسلام دیده نمی شود.



حضرت موسی(ع) مریض شد و دسته ای از بنی اسرائیل عیادتش آمدند و مرضش را تشخیص دادند و گفتند اگر فلان دارو را بخوری خوب می شود، او گفت من مداوا نمی کنم تا خدا بی واسطه دارو مرا شفا دهد. مرضش طول کشید و به او وحی شد: بعزت و جلالم شفایت نمی دهم تا به داروئی که آنها گفتند مداوا کنی. به آنها گفت مرا مداوا کنید و بعد از دارو خوردن و خوب شدن، به ذهنش خطور کرد که چرا خدا من را شفا نداد و گفت باید این دوا را بخوری؟ به او وحی شد: تو می خواستی حکمت مرا با توکلت بر من، باطل کنی. چه کسی جز من در داروها، خاصیت شفا را، قرار داده است؟



عقل انسان نمی تواند به حکمت الهی پی ببرد زیرا:
اولاً؛ علم انسان محدود است، و با علم محدود نیز امکان دستیابی به تمام حکمت خداوند وجود ندارد
ثانیاً؛ اصل آزمایش‌های الهی بر این اساس است که انسان علم و آگاهی نسبت به فواید و حکمت‌های اعمال نداشته باشد، فقط برای اطاعت از دستورات خداوند متعال اقدام به انجام کاری کند.
گرچه در برخی از روایات حکمت و فلسفه برخی از اعمال بیان شده است، ولی این بیان علت در بیشتر دستور اسلام دیده نمی‌شود.

آثار تربیتی اعتقاد به حکمت خداوند

۱. توجه به حکمت خداوند می تواند به علم و دانش بشری عمق و شتاب و سرعت بیشتری بخشد زیرا وقتی ما بدانیم که در جای جای این بنای باشکوه اسرار حکمت به کار برده هرگز از کنار موجودات و حوادث جهان بی تفاوت نمی گذریم.
۲. توجه به حکمت خدا انسان را در برابر حوادث ناگوار و توان می بخشد چون می داند هیچ یک از اینها بی حساب نیست.
۳. توجه به حکمت خداوند پذیرش قوانین الهی را آسان می سازد چرا که می داند تمام این برنامه ها و دستورات از سوی آن حکیم بزرگ است.
۴. توجه به حکمت و تدبیر خداوند نگرانی را از خاطر می زداید و موجب می شود آدمی در سختی ها آرامش خود را نبازد و زبان به شکوه و شکایت نگشاید.

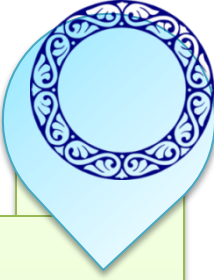
کارکرد حکمت به معنای دوم



۱. اثبات نبوت



خداوند انسان را به هدف تکامل و رسیدن به سعادت آفریده اما عقل انسان به دلیل محدودیت هایی که دارد به تنهایی قادر به راهنمایی بشر نیست. حکمت خدا اقتضا می کند پیامبری را بفرستد تا وحی به مدد عقل آید و او را به کمال واقعی اش رهنمون سازد.



رسلا مبشرين و منذرین لئلا یكون للناس علی
الله حجه بعد الرسول

پیامبرانی که بشارت دهنده و بیم دهنده بودند ، فرستادیم
تا بعد از این پیامبران حجتی برای مردم بر خدا باقی
نماند. (نسا آیه ۱۶۵)



انسان ظرفیت جاودانه زیستن را دارد اما دنیا این قابلیت را ندارد. حکمت خدا اقتضا می کند مرگ پایان زندگی انسان نباشد و گونه خلقت انسان بیهوده می گردد.

افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون
آیا گمان می کنید شما را بیهوده آفریده ایم و شما به
سوی ما باز نمی گردید؟ (مومنون آیه ۱۱۵)